

تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست از منظر حقوق بین‌الملل و فقه

دکتر ناصر رهبرفرش پیرا^۱

دکتر حسن موثقی^۲

چکیده:

از آن زمان که تاریخ به یاد دارد انسان متکی به طبیعت بوده و بر آن تاثیر گذاشته است. رشد سرسام‌آور جمعیت، مسابقه در استفاده از سوختهای فسیلی و سوء استفاده از علم و دانش، این کره حاکمی را به سوی نابودی کامل و قطعی سوق داده است. برای مدتهای مدید حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله، آتشفشان، قحطی و طاعون و اپیدمی‌های مهلک برهم زنده نظم محیط زیست بوده‌اند اما طبیعت خود به تدریج به استقرار نظم برهم خورده می‌پرداخت. در حالیکه با ورود انسان به عرصه حیات، تغییر در محیط زیست و تخریب آن نه تنها ضایعات و ویژگی ماندگاری یافتند بلکه بازسازی و جبران خسارت از توان طبیعت خارج شد. این آلودگی تا به آن حد گسترش یافت که بسیاری از گونه‌های حیات از جمله برخی گیاهان و حیوانات به طور کامل از بین رفته یا در معرض انقراض قرار گرفتند. صدمات وارده به محیط زیست در وهله اول قابل رویت نیست اما به تدریج آثار مخرب خود را بر سلامتی انسانها می‌گذارد. وضعیت محیط زیست نتیجه تعجیل دولتها و ملل در استفاده از محیط زیست است. شاید بهترین استدلال برای تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست اجراء نظارت و مقابله با متجاوزان به ساحت محیط زیست است و اینکه بسیاری از مقررات زیست محیطی از سوی دولتها به عنوان موضوعات تشریفاتی و غیره امره تلقی میشوند.

کلید واژه: کنفرانس استکهلم، کنفرانس ریو، عصر تخریب، دیوان بین‌المللی محیط زیست، انقراض

گونه‌ها

۱- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

مقدمه:

ما هنوز نتوانسته‌ایم یا نخواسته‌ایم به بسیاری از سوالات راجع به محیط زیست پاسخ دهیم. چگونه باید از محیط زیست حفاظت کرد؟ نسل حیوانات در خطر انقراض را چگونه تحت مراقبت قرار دهیم؟ آیا جنگلهای بارانی بطور کامل در حال از بین رفتن هستند؟ لایه ازن چگونه باید ترمیم شود؟ ذوب یخ‌های قطبی چه بر سر سواحل و خشکی‌ها خواهد آورد؟ ضایعات چگونه باید تخلیه و مدیریت شوند؟ (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳، ۲۷) و آیا اراده جمعی برای تغییر و بهبود وضعیت نامطلوب محیط زیست جهانی وجود دارد یا نه؟ آیا نیازی به تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست که مستقل از مداخلات سیاسی دولتها باشد ضرورت دارد یا نه؟ در این مختصر قصد داریم به این سئوالات پاسخ دهیم و آرمانهای بشری را در رابطه با طبیعت و محیط زیست به تصویر بکشیم.

همانطوری که از نام کتاب پیداست تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست قطعاً اولین قدم در عملیاتی و اجرایی کردن معاهدات و کنوانسیون بین‌المللی زیست محیطی است.

باید دیوان بین‌المللی را بنیان نهیم تا بحران جهانی آب و هوایی، تخریب، جنگل‌تراشی، بیابان‌زایی و انقراض گونه‌ها پایان یافته و حفاظت از محیط زیست جدی گرفته شود.

حال اگر قصد داریم شاهد بلایایی چون زلزله و سیل و سونامی‌های وحشتناک نباشیم باید به سوء استفاده از زمین و محیط زیست در همه جای دنیا پایان دهیم (حسن‌میری، ۱۳۸۸، ۷۸). بررسی سوانح این سوال را مطرح می‌کند که چرا قواعد راجع به محیط زیست هنوز وصف آمره نیافته‌اند و آیا امکان دارد تأسیس یک دیوان بین‌المللی زیست محیطی که صلاحیت مقابله با متجاوزان زیست محیطی را در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشند قادر است به این بی‌اعتنایی و منفعت طلبی‌ها پایان دهد یا نه؟ فرصتی است که یافته‌های خود را در قالب یک پژوهش ارائه کرده و افق درخشانی برای جامعه بین‌المللی و ملل دنیا ترسیم نماییم.

هزاران سال قبل دانشمندان پیش‌بینی کرده بودند که روزی خواهد رسید که انسان با از دست دادن قدرت پیش‌بینی و پیش‌گویی خود حیات بر روی کره زمین را منهدم خواهد کرد (وهاب‌زاده، ۱۳۸۲، ۴). امروز همان روز موعود است. این موارد شامل مسائلی نظیر آلودگی‌های هوایی فرامرزی، خطرات بالقوه آزمایشات و انفجار سلاحهای هسته‌ای، ذوب یخسارهای قطب شمال و جنوب، انقراض

۱- این گفته آلبرت شوایتزر پزشک بشردوست آلمانی است که تمام عمر خود را وقف درمان بیماران سیاهپوست در قاره آفریقا نمود. به نقل از: کارسون

گونه‌های گیاهی و جانوری و عدم کنترل و دفع صحیح ضایعات صنعتی است (Brownlie, 1998, 283).

مبحث اول: اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام

در اسلام همانند سایر مباحث ارزشمند انسانی به محیط زیست و امانت بودن آن اهتمام خاص ورزیده شده است. آیات ۱۰ و ۱۱ سوره زخرف مقرر می‌دارد: همان فدایی که زمین را مهد آسایش شما قرار داد و در آن راهها برای تحصیل امر معاش و معاد پدید آورد تا مگر هدایت یابند و آن خدایی است که از باران آسمان آبی به قدر و اندازه نازل کرد و به آن صحرا و دیار مرده و خشک را زنده گردانیدیم و اینگونه مردگان را از قبر بیرون می‌آیند. همانا آنچه را که امروزه ما به عنوان تغییرات جهان آب و هوا می‌بینیم که موجب نگران و وحشت شده است اسلام در آیات گوناگونی آن را پیش‌بینی نموده است. از جمله آیات ۴۱ مبارکه سوره روم که بیان می‌کند بخاطر کارهای خودسرانه بشر، فساد و نابودی در خشکی و دریا ظاهر گشته است. آزمایشات هسته‌ای در اقیانوس‌ها- دریاها- کوه‌ها- قراردادن ماهواره‌های نظامی در مدارات زمین و گرم شدن زمین توأم با جنگل تراشی حاکم اسلامی موظف است مانع از تخریب محیط زیست که جایگاه آرامش انسان‌هاست گردد و بهره‌گیری از محاکم دادگستری و قوه قضائیه فصل الخطاب این رسالت عظیم است. این الزام ناشی از آن وارد حکم می‌شوند بلال حبشی به دستور پیامبر (ص) هر نوع قتل- انتقام- سوزاندن گیاهان- از منظر اسلام تخریب محیط زیست ناشی از معضلات اخلاقی برخی از مردم است و چاره کار تقویت باورهای اخلاقی و دینی است (ولایی، ۱۳۸۸، ۲۷-۴۴).

مبحث دوم: آغاز عصر تخریب

در کتب مقدس به کرات خداوند انسان را اشرف مخلوقات خطاب کرده و او را از اسراف در استفاده از نعمات الهی پرهیز داده است، اما انسانها همانند هیولا در این کره خاکی هر قدمی که برمی‌دارند با ویران کردن و صدمه به محیط زیست توأم است. مع‌التاسف بشر خطرناکترین مهاجم و متجاوز به محیط زیست است که از ایفای عدالت راجع به محیط زیست خودداری می‌کند. ما یکطرفه زمین و محیط زیست را آماج حملات و سوء استفاده‌های مکرر و لاینقطع خود کرده‌ایم و آن را به سوی ویرانی پیش می‌بریم (Dryzek, 2005, 210).

جنگ انسان با محیط پیرامون خود نبردی طولانی است که حاصل آن تخریب، قتل عام و کشتار عظیم جانوران، گیاهان، آبها، هوا و منابع طبیعی و در نهایت مرگ زودرس خود را بدنبال دارد. زمانیکه

انسانهای غارنشین برای نخستین بار طبیعت مواجه شدند خرابیهای آنها کم و ناچیز بود و ابزار و آلاتی هم که برای بهره‌کشی از طبیعت به کار می‌برد ضعیف و بی‌ضرر بود.

انسانها با پیشرفت صنعت، شکوه و زیبایی زمین را از بین بردند و بتدریج رابطه دوستانه آنها با طبیعت قطع شد و از آن دوری گزیدند بگونه‌ای که ظرف مدت چند قرن ۳۰۰ گونه از پرندگان و پستانداران به دست انسانها منقرض شدند و اکنون فقط سنگواره‌های آنها را باید ببینیم. چنانچه در سال ۱۹۱۴ فقط چند نمونه باقی مانده از کبوترهای مهاجری که روزگاری در آسمانها در دسته‌هایی به عرض یک کیلومتر و بطول ده کیلومتر در پرواز بودند به پارک سین سیناتی آمریکا آورده شده و تحت مراقب قرار گرفتند. ۱. همین بی‌تفاوتی نسبت به حیوانات و گیاهان بود که زمینه تصویب کنوانسیون بین‌المللی ممنوعیت تجارت گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر ۱۹۷۳ (Divan, 2001, 598) را فراهم آورد.

شکار بی‌رویه حیوانات شمار زیادی از گونه‌ها را منقرض کرده و عملیاتی نظیر معدن کاری، چوب‌بری و اکتشاف انرژی، آنهایی را که مانده‌اند تهدید می‌کند. طرفداران حفظ محیط زیست تخمین می‌زنند انقراض جهانی گونه‌ها با سرعتی بیش از ۱۰۰۰ برابر بیش از آنچه انسان تصور می‌کند اتفاق خواهد افتاد. در تاریخ این سیاره تاکنون پنج موج انقراض رخ داده از جمله انقراض دوره یخبندان ۲۵۰ میلیون سال پیش که تقریباً ۷۰ درصد همه حیوانات خشکی و ۹۶ درصد جانوران دریایی در آن از بین رفتند و آخرین حادثه در دوره کرتاسه در ۶۵ میلیون سال پیش بود که به حیات دایناسورها پایان داد.

دانشمندان بر این باورند که نمونه‌برداری از جمعیت حیوانات نشان می‌دهد در حال ورود به ششمین موج انقراض بزرگ گونه‌ها هستیم و این بار علت آن اصابت یک سیاره سرگردان ۲ یا آتشفشانهای بزرگ نیست بلکه خود ما هستیم.

مبحث سوم: جراحتهای زمین

گفته شد که حفاظت از محیط زیست یک ساز و کار پیچیده است و تنها با تشکیل کنفرانس‌ها و صدور قطعنامه یا تصویب قوانین داخلی و امضای کنوانسیون‌ها عملی نیست. سالها وقت، پول و نظارت لازم است تا رودخانه‌ای و یا تالابی که پر از مواد و زباله‌های صنعتی گردیده را نجات دهیم. کشاورزی که بر پایه قطع درختان و سوزاندن و جنگل تراشی توأم باشد پایدار نخواهد بود چرا که

۱- آیا با طبیعت دوست یا دشمن هستیم، ضمیمه علمی روزنامه اطلاعات، تاریخ ۸۸/۷/۵، ص ۵.

۲- نظریه انفجار بزرگ (Big Bang): مطابق این نظریه کره زمین در نتیجه انفجار یک شهابسنگ بسیار بزرگ بوجود آمده در حدود ۴ میلیارد سال پیش.

انسان قادر نیست از زمین خارج از توان‌اش بهره‌برداری کند و فاجعه ماحصل این سوء استفاده فاجعه‌آمیز خواهد بود. نابودی جنگلهای استوایی در خط استوا و برزیل از آن جمله است.

در خارج از شهرها هر جا قدم می‌گذاریم با چهره زخم خورده زمین مواجه می‌شویم. سوء مصرف و شکار بی‌رویه جانوران و گیاهان باعث برهم خوردن توازن اکوسیستم خواهد شد. بهره‌گیری از تکنولوژی مخابراتی و رادار امکان ردیابی محل اسکان و گشت‌زنی گروههای بزرگ ماهیان و آبزیان نظیر نهنگ‌های خاکستری، گوژپشت و دلفین‌های آتلانتیک و کوسه نیزه‌ای را توسط کشتی‌های صیادی ژاپنی، آمریکایی و انگلیسی فراهم کرده است بطوریکه هم اکنون کاهش در ذخایر تا میزان انقراض ماهی روغن را در اقیانوسها بویژه اقیانوس اطلس نشان می‌دهد.

بقدری مواد شیمیایی و سموم وارد آب شده که ماهیهای صید شده مسموم و خوردن آنها موجب مرگ شده است.

فرسایش زمین موجب تبدیل زمین‌های کشاورزی به بیابان گردیده، با قطع درختان به گسترش سیلابها کمک می‌کنیم، آلودگی هوا را دامن زده و به توقف رشد گیاهان دامن می‌زنیم، دریا را تهی از ماهی کرده و تولید محصولات کشاورزی را با تغییرات اساسی (از گندم و جو به تنباکو و قهوه) مواجه نموده‌ایم.

مبحث چهارم : انقراض گونه‌های جانوری

حداقل هشت میلیون گونه نادر حیات در این سیاره وجود دارد اما ناپایداری گونه‌ها بدلائل مختلف روی می‌دهد (Ferrey, 2001, 533). یکی از آنها کاهش خاویار است که بدلائلی نظیر تلاش برای استخراج ذخایر نفت و گاز، صید بی‌رویه، آلودگی رودخانه‌ها و قاچاق آن در معرض نابودی کامل است.

دیگر ماهیان خاویاری مانند شیب، سوف ماهی، ماهی آزاد و فک در حال انقراض‌اند. صندوق جهانی طبیعت به عنوان یک سازمان غیردولتی با هدف بقای حیات وحش در جهان این گزارش را تأیید کرد که شمار ماهیان سه گونه استروژن ۷۰٪ درصد کاهش یافته است (الیات، ۱۳۸۸، ۲۲). صید ماهی کریل توسط کشتیهای غول‌پیکر ژاپنی و روسی در سواحل قطب جنوب با وسایل مدرن و پیشرفته صیادی باعث کاهش میزان این ماهی تا ۹۰٪ درصد شده است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳، ۴۴). همچنین برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه‌ها نسل ماهیان آزاد را از لحاظ تخم‌ریزی به خطر انداخته و هنوز هم فاضلاب روستاها و خانه‌ها، شیرابه‌های زباله‌ها در مسیر رودخانه رها می‌شوند که از عوامل کاهش نسل ماهیان است (محمدی، ۱۳۸۸، ۲۵).

برای محافظت از نسل موجودات در خطر باید به آموزش و فرهنگ‌سازی روی آورد. بدون شک حفاظت فیزیکی و اجرایی کفایت نمی‌کند (اسلامی دهکری، ۱۳۸۸، ۳۶). یکی از اقدامات موفق جهت نجات تنوع زیستی زمین برنامه اصلاح ژنتیکی ساختار جانداران^۱ می‌باشد (Hutchinson, 2008, 10).

تحقیقات وسیع زیست‌شناسان در چند سال اخیر نقش پرندگان را در کنترل حشرات بطور قطعی ثابت کرده از جمله دارکوب انگلیسی که عامل کنترل‌کننده سوسک صنوبر انگلین و کرم سیب است. همین نظارت از سوی پرندای کوچکی بنام چرخ ریسک دیده شده که باعث کنترل جمعیت نسل کرمهای برگ‌خوار است. اما وقتی سموم پا به میدان می‌گذارند تمام این معادلات بر هم می‌ریزد. در عین حال با نابودی پرندگان، نسل حشرات در چشم بر هم زدنی آنقدر تکثیر می‌یابند که به فاجعه تبدیل می‌شوند، مخصوصاً که دیگر پرندای برای مقابله با آن وجود نخواهد داشت. این امر به اثبات رسیده که استفاده بی‌رویه از حشره‌کشها دلیل اصلی کاهش نسل و زاد و ولد سینه سرخ و عقاب سرسفید آمریکایی بوده است.

همینطور شکار بی‌محابای حیواناتی چون فیل، شیر، بوفالو، ایمپالا، زیره، پوکو، ورتهارت، ویلدبیست، کروکودیل در افریقا نسل این حیوانات ارزشمند را در معرض انقراض قرار داده است. کوسه‌ها از دیگر آزیان در معرض خطر انقراض می‌باشند. براساس گزارش اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت بیش از نیمی از کوسه‌هایی که زیستگاه آنها اقیانوسهای جهان است در معرض خطر انقراض قرار دارند.^۲

مبحث پنجم: تعهدات بین‌المللی دولتها

هیچ مبحثی در حقوق بین‌الملل به اندازه ایفای تعهدات دولت‌ها (Bothe, 1981, 101) در زمینه‌های گوناگون خوشایند نیست. برای تحقق همبستگی بین‌المللی لازم است دولتها با حسن نیت ارزشهای بین‌المللی را که نماد حمایت از حقوق بشر است بویژه در زمینه محیط زیست ارج نهند. درست است که حفاظت از محیط زیست بدون مشارکت جامعه بین‌المللی، نهادهای دولتی و خصوصی، مردم و دولتها قابل تحقق نیست اما دولتها به عنوان تابعین اصیل و سنتی حقوق بین‌الملل جایگاه برجسته‌ای در رعایت موازین محیط زیست دارند. دولتها متعهدند با همکاری با یکدیگر و به نحو موثر از ایجاد و انتقال مواد یا تأسیسات آلوده کننده از کشورهای مولد آلودگی به کشورهای جهان سوم اجتناب ورزند و هزینه‌های مبارزه با آلودگی را بپردازند.

1- GMO

۲- کوسه‌ها در معرض نابودی، فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت، شماره ۱۵، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸، ص ۴۸.

آموزش عمومی مردم، تبادل اطلاعات بین کشورها و انتشار دستاوردهای علمی راجع به محیط زیست از اهم تعهدات دولتها در بخش محیط زیست است در این راستا می‌توان از روح منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل الهام گرفت.

بدیهی است که حمایت از محیط زیست و خودداری از تخریب و آلوده‌سازی یک تعهد عینی برای دولتهاست. همچنین دولتها باید از محیط زیست به طور منصفانه استفاده کنند به نحوی که برای تمام کشورها فرصت استفاده یکسان و مساوی از آن فراهم آید.

در عین حال آنها مکلفند شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کنند و تعهد عام همکاری در مسائل زیست محیطی نظیر اطلاع‌رسانی وقوع حوادث، مشورت برای یافتن راه‌حلهای، مذاکرات و همکاری، یک ویژگی مشترک در تمام رویدادهای زیست محیطی است چرا که محیط زیست میراث مشترک بشریت محسوب می‌گردد و دولتها تنها ذیحق در استفاده از آن نیستند (زمانی، ۱۳۸۷، ۲۸).

شورای امنیت در قطعنامه ۵۴۰ مصوب ۱۹۸۳ از دولتین متخاصم می‌خواهد از ارتکاب هر عملی که صلح و امنیت منطقه و حیات وحش و گیاهان را به خطر اندازد خودداری نمایند.^۱

همچنین دولتها مکلفند تعهدات مربوط به خلع سلاح (Barton, 1986, 102) را بجا آورند و با گذر از مرحله مذاکره، نسبت به کاهش سلاحهای هسته‌ای غیرمتمعارف در همه سطوح با هدف غایی نابودی این گونه سلاحها اقدام نمایند و هر نوع آزمایش هسته‌ای را متوقف نمایند (ظریف، ۱۳۷۵، ۹۱) چرا که گستردگی خسارات انسانی و زیست محیطی ویژگی اصلی کاربرد سلاحهای کشتار جمعی است. یکی دیگر از تعهدات دولتها پیشگیری از ورود خسارات فرامرزی و تلاش در کاهش آثار خرابی‌های زیست محیطی است. دولتها باید در اسرع وقت پیامدهای زیست محیطی طرحهای عمرانی را ارزیابی نمایند و هر گونه فعالیت مخرب را که بر سلامتی انسان، گیاه، زمین، هوا، آب و خاک تأثیر می‌گذارد متوقف سازند.

دولتها باید نگرانیهای زیست محیطی را در سیاست‌گذاری کلان، برنامه‌ها چشم‌اندازها لحاظ نمایند. دولتها باید نسبت به احیاء پیمانهای چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی که دچار رخوت شده است اقدام نمایند و به بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری این اسناد پایان دهند و این آرمان عملی نخواهد شد مگر اینکه دولتها به تعامل با آژانس‌های دست‌اندرکار محیط زیست متمایل شوند.

۱- توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست؛ آورده دیوان بین‌المللی دادگستری، مجله حقوقی، شماره ۲۴، ۱۳۷۸، ص ۱۰.

یکی از اهداف اعلامیه هزاره جدید در سال ۲۰۰۰ تضمین امکان تداوم محیط زیست بود که تلاش و توافق کشورها را طلب می‌کرد. برای داشتن کشاورزی پررونق، آب آشامیدنی سالم، شیلات و حیات سالم نیازمند احترام به محیط زیست هستیم. همه دولت‌ها برای حفظ تنوع زیستی باید به کنوانسیون تنوع زیستی و تعهدات ژوهانسبورگ پایبند باشند. بدیهی است ارج نهادن به اجرای کنوانسیون زیست محیطی نظیر پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ و کنوانسیون مربوط به تغییرات آب و هوایی سازمان ملل ۲۰۰۵ اولین گامها در راه موفقیت این جنبش (احیاء جهانی محیط زیست) است (بعیدی‌نژاد، ۱۳۸۴، ۲۸۴).

بدون شک برای عملیاتی کردن مقررات حقوق بین‌الملل راجع به محیط زیست مجبوریم به پاره‌ای از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها جامعه عمل بپوشانیم. این ضرورت‌ها عبارتند از:

۱ - تأسیس نهادهای بین‌المللی بویژه نهادهای مشاوره و دیوانهای بین‌المللی قضایی با هدف نظارت بر اعمال کنوانسیونهای عام و خاص زیست محیطی

۲ - بهره‌گیری از ترتیبات منطقه‌ای برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی کشورها با موضوع محیط زیست و مواجهه فوری با تخریب و آلودگیهای فرامرزی

۳ - تأسیس نهادهای مدیریتی واحد برای اتخاذ تدابیر مشترک و قابل اجرا

۴ - استمساک از دیدگاههای مشورتی و اجرایی سازمانهای غیردولتی در تهیه اسناد زیست محیطی که با داشتن اطلاعات تخصصی قادرند مسیر حرکت دولت‌ها را هموار سازند.

۵ - افزایش صلاحیت سازمانهای بین‌المللی دست‌اندرکار در حوزه‌های مشارکتهای علمی، جمع‌آوری یافته‌ها، تأسیس نهاد اداری متمرکز، ظرفیت‌سازی و بسترسازی فرهنگی (کیس، ۱۳۸۴، ۸۹).

همانطور که قاضی ویرامانتری در نظریه مخالف خود در رأی مشورتی دیوان در سال ۱۹۹۶ اعلام کرد هدف عمده حفاظت از محیط زیست، حمایت از حیات و حقوق نسلهای آینده است (براون، ۱۳۸۶، ۱۷۹). همان نسلی که هر آنچه را که ما بکاریم آنها درو خواهند کرد و به راستی که ما کره زمین را از والدینمان به ارث نمی‌بریم بلکه آنرا از بچه‌هایمان عاریه می‌گیریم (زمانی، ۱۳۸۷، ۵۸).

مبحث ششم: دیوان بین‌المللی محیط زیست: فاصله آرمان تا واقعیت

در جولای ۱۹۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل در رم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را به تصویب رساند که تا مارس ۲۰۰۹ تعداد ۱۸۰ کشور به این اساسنامه پیوستند. اجلاس سال گذشته (۲۰۱۰) میلادی کپنهاگ که با حضور متخصصین محیط زیست وزراء و نمایندگان سازمانهای غیردولتی زیر نظر سازمان ملل تشکیل شد در این راستا بود. در سال ۲۰۰۹ دانشمندان متخصص با لحاظ پتانسیلهای متنوع در زمینه محیط زیست به بررسی تأثیرات دراز مدت تغییرات آب و هوایی پرداختند.

ذوب شدن سریع یخچالهای قطبین تا سال ۲۱۰۰ میلادی سبب بالا آمدن آب دریاها به میزان یک متر و ۴۰ سانتی متر خواهد شد که تخمیناً موجب تغییرات بنیادین در آب و هوا می شود و قطعاً یکی از قسمتها در معرض بحران یخهای گرینلند خواهد بود. سوال این است که دیوان بین المللی محیط زیست در رابطه با جلوگیری از ذوب یخهای قطب چه راهکارهایی را پیش بینی کرده است؟ هدف از تأسیس دیوان بین المللی محیط زیست این است که جوامع، سازمانهای دست اندرکار و اشخاص، مبارزه ای بی امان برای دستیابی به عدالت زیست محیطی آغاز کنند. مردم و سازمانهای دولتی نمی توانند برای جبران ضرر به دیوان بین المللی کیفری یا دیوان بین المللی دادگستری مراجعه کنند برای اینکه صلاحیت دادخواهی را ندارند چرا که مقررات حقوق محیط زیست در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری جایی ندارند و این تنها دولتها هستند که قادرند خسارات را مطالبه یا طرح دعوا کنند بویژه که ما برای حفاظت از محیط زیست نیازمند تفسیر حقوق و قواعد محیط زیست (معاهدات و توافقات زیست محیطی) هستیم و این نیاز در حال افزایش است.

بنابراین حقوقدانان و متخصصین سراسر دنیا باید تلاش کنند دیوان بین المللی محیط زیست را تأسیس کنند تا با اتخاذ تصمیمات مناسب دنیای ما را نجات دهد. این پیکار بر علیه تخریب، آلودگی و بی تفاوتی به محیط زیست زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که ما از خودمان شروع کنیم و قواعد مشابه و متحدالشکلی را برای حفاظت از محیط زیست تدوین، امضاء و تصویب و با سازوکار قضایی جدید (دیوان بین المللی محیط زیست) به اجرا گذاریم.^۱

اهداف بنیاد دیوان بین المللی محیط زیست چیست؟ تأسیس به عنوان مکانیزم راه حل و فصل اختلافات در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست برای دستیابی به اطلاعات، مشارکت و عدالت. بصورت مصادیق زیر:

- ۱- ترویج یک نظام توازن راجع به حاکمیت جهانی محیط زیست،
- ۲- ایجاد یک دیوان بین المللی زیست محیطی با کارکرد و نظارت مستمر و مدیریت محیط زیست و حق مراجعه نه تنها برای دولتها بلکه اشخاص حقیقی.

ایده دیوان بین المللی محیط زیست ناشی از حق مراجعه به دیوان بین المللی زیست محیطی برای دستیابی به عدالت زیست محیطی است (پیش نویس اساسنامه آژانس بین المللی محیط زیست و دیوان بین المللی محیط زیست - کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به توسعه ۱۹۹۲ ریودوژانیرو).

¹ <http://www.environmentcourt.com/welcome.php>.

ائتلاف جامعه مدنی برای حاکمیت جهانی محیط زیست مهلم از حمایت‌های ریشه‌ای، اجماع و همکاری در سطح جامعه مدنی برای تأسیس سازمان بین‌المللی محیط زیست و دیوان بین‌المللی محیط زیست است که ما را به سوی تأسیس یک توجیه کیفری از خسارات زیست محیطی همانند دیوان بین‌المللی کیفری هدایت می‌کند.

مبحث هفتم: دیدگاه مخالفان تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست

بعد از سالهای ۱۹۰۰ میلادی سازمانهای بین‌المللی بتدریج تأسیس و کلیه ابعاد زندگی بشری را تحت‌الشعاع خود قرار داده و ثابت کردند در مقابله با ضرورتها و نیازهای جامعه بین‌المللی بهتر از دولتها گام برمی‌دارند (زمانی، ۱۳۸۷، ۱۴). با این حال همانند هر اندیشه‌ای، تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست نیز هواداران و مخالفین خود را دارد. نافیان تأسیس دیوان اخیر بر این باورند که:

با وجود تأسیس دهها دادگاه ویژه و بین‌المللی و داوری، جامعه بین‌المللی کارنامه موفقی از کارکرد دولتها از جنبه نظم حقوقی ارائه نداده است. کثرت اختلاف نشانگر فقدان کارایی دیوانهای تأسیسی موجود است. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که افزوده شدن یک دادگاه بین‌المللی به بهبود کارکرد مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست منجر شود مخصوصاً که بسیاری مواقع صلاحیت این محاکم منوط به پذیرش اساسنامه و صلاحیت ویژه یا موقتی و موضوعی و در نهایت توافق دولتهاست.

از اولین مخالفان تأسیس دیوان‌های جدید باید از کارو نام برد که معتقد بود «تکثر مراجع حل و فصل اختلافات موجب تداخل صلاحیت و تعارض آراء محاکم و دیوانها خواهد شد». گفته شده که افزایش مراجع قضایی به مصلحت نظام حقوق بین‌الملل نیست و نظم شکننده و ناپایدار آن را متزلزل می‌کند و وحدت آن را نشانه گرفته است.

شیجرو اودوا از قضات برجسته دیوان بین‌المللی دادگستری از مخالفان برجسته تنوع و فراوانی مراجع قضایی بین‌المللی استدلال می‌کند که: «آینده ثابت خواهد کرد که تأسیس یک دیوان قضایی دیگر (همانند دیوان بین‌المللی محیط زیست یا دریاها) به موازات دیوان بین‌المللی دادگستری اشتباه بزرگی است. نباید دیده بر روی واقعیات بست که حقوق بین‌الملل محیط زیست یا دریاها، جزء لایف‌نک حقوق بین‌الملل عمومی به عنوان یک مجموعه حقوق بین‌الملل عمومی و نه به صورتی مجرد و مجزا رشد یافته و اگر توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست و دریاها به صورتی جداگانه و خارج از مجموعه مقررات حقوق بین‌الملل (عام) و تحت تأثیر رویه قضایی مرجع قضایی مستقل (دیوان بین‌المللی حقوق محیط زیست یا دریاها) تحقق یابد، چنین وضعیتی می‌تواند موجب فروپاشی (وحدت) نظام حقوق بین‌الملل (عمومی) گردد».

حداقل نتایج اجلاس کپنهاگ و اظهارات کشورهای صنعتی جهان پرده از این حقیقت برداشت که هیچ تلاش جدی برای بهبود وضعیت آب و هوا صورت نمی‌گیرد.

یکی از تقسیمات اساسی اختلافات، طبقه‌بندی آنها به اختلافات حقوقی و سیاسی است که در اکثر قضایا هر یک از این اوصاف بر دیگری تأثیر می‌گذارد با حضور یک کشور در یک دیوان بین‌المللی و جبهه سیاسی اختلافات از ارزش بالاتری برخوردار شده و موضوعات حقوقی در عمل از متن به حاشیه رانده می‌شوند. پس بعید بنظر می‌رسد که با تأسیس یک دیوان جدید آنهم در قلمرو زیست محیطی بتوان این موازنه را بر هم زد و از این منظر نیز تأسیس یک دیوان در وفاداری کشورها به موازین حقوق بین‌الملل بویژه قواعد آمره و ارزشهای عام‌الشمول چندان تأثیری نخواهد داشت.

در صورتی که اگر اختلافات زیست محیطی با توصیفات حقوق بشری تفسیر شوند آنگاه دیگر معضل تشخیص سیاسی یا حقوقی بودن اختلاف میان کشورها مطرح نخواهد شد هر چند که در بیشتر مواقع اختلاف سیاسی از ویژگی حقوقی نیز برخوردار است و بلعکس. قاضی آوارز در قضیه کارلیای شرقی در مخالفت با رأی دیوان اعلام کرد که: در صورتیکه اختلافی و جبهه حقوقی و سیاسی داشته باشد دیوان صلاحیت رسیدگی به جنبه حقوقی و شورای امنیت حق رسیدگی به جنبه سیاسی اختلاف را دارد اما در صورت تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تنها شورا رسیدگی خواهد کرد و دیوان صلاحیتی نخواهد داشت (میرعباسی، ۱۳۸۸، ۳۳).

آیا تعدد دیوانها قادر است به تراکم اختلافات پایان دهد؟ در این صورت وحدت حقوق بین‌الملل با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد؟ بدون شک وحدت نظام حقوق بین‌الملل از همان آغاز وابسته به حرکت هماهنگ ارگانها و ساختار ماهوی آن بوده است که یک جنبه آن تکنیکی و فنی است و جنبه دیگر آن سیاسی. البته این انسجام در طول تاریخ حیات حقوقی داشته، منتها گاهی اوقات به لحاظ رفتارهای ضد و نقیض دولتها این وحدت آسیب می‌بیند (زمانی، ۱۳۸۷، ۵۲).

برخی از علمای حقوق^۱ بر این باورند که مباحثی همچون حقوق فضا، حقوق بشر، حقوق هوا، حقوق دریا، حقوق محیط زیست، حقوق سلاحهای کشتار جمعی و ... از ساختارهای اساسی حقوق بین‌الملل عمومی بوده و با تأسیس دیوان ویژه برای هر یک از این حوزه‌ها، حقوق بین‌الملل عام و منزوی خواهد شد و این قطعاً خواست جامعه بین‌المللی نیست. برخی نیز اعتقاد دارند که قضات یا داوران تنها با علم حقوق آشنایی دارند و فاقد تخصص در حوزه‌های محیط زیست، تجارت، کیفری، هسته‌ای و ... می‌باشند بنابراین در این مواقع از وجود کارشناسان متخصص استفاده و قضات دیوانها فقط

۱- شیجرو اودوا از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری است.

یافته‌های کارشناسی را در قالب حقوقی ریخته و بصورت رأی صادر می‌کنند پس چه نیازی به تأسیس یک محکمه بین‌المللی جدید آنهم با موضوع محیط زیست است؟ (میرعباسی، ۱۳۸۸، ۱۹۳) در عمل هیچ هماهنگی و اطلاع‌رسانی در خصوص دعاوی مطروحه، طی مراحل رسیدگی و صدور آراء بین دیوانهای بین‌المللی وجود ندارد و تأسیس دیوان جدید نیز این معضل را دو چندان نشان خواهد داد.

مبحث هشتم: نظریات موافقان تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست

در پاسخ به دکترین‌های مخالفان، مورفی از هواداران تأسیس محاکم بین‌المللی معتقد است که با تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست به پاره‌ای از الزامات بین‌المللی پاسخ داده می‌شود از جمله: (Murphy, 1999-2000, 333)

بطور متعارف نیازهای جامعه بین‌المللی در حال افزایش بوده و به صورت روزمره با تنوع موضوعات مواجهیم. تمایل دولتها به همگرایی در پاسخگویی به تهدیدات فرامرزی گرایش‌های همبستگی کشورها را دو چندان کرده است. چرا که هم دولتها ارتباطات با یکدیگر را گسترش داده‌اند و هم ملتها به هم گرایش یافته‌اند. به طور قطع با رشد محاکم بین‌المللی شاهد توسعه حقوق بین‌الملل نیز خواهیم بود.

اما اینکه آیا تأسیس این گونه محاکم مغایر وحدت حقوق بین‌الملل است یا نه پی‌یرماری دوپوئی اذعان دارد که: «با هدف تحقق ایده‌آل صلح از طریق قانون، تأسیس دیوان‌های بین‌المللی در عین حال مؤید تحقق اصل بنیادین وحدت حقوق بین‌الملل بوده چرا که همانگونه که در نظامهای داخلی پیشرفته، مقبول و جا افتاده است دولتها به عنوان مخاطبان حقوق بین‌الملل خود را مطیع تصمیمات قضایی می‌دانند که برخاسته از همان نظم واحد حقوقی بوده است یعنی وحدت در موضوع و وحدت در شخص».

به این ترتیب افزایش مراجع قضایی بین‌المللی نتیجه گرایش‌ها و علائق دولتها به استمرار نظام قضایی بین‌المللی و حفاظت از حقوق آنهاست.

رائو از دیگر طرفداران تأسیس محاکم بین‌المللی استدلال می‌کند «محاکم از روی تفکر و اندیشه ایجاد گردیده زیرا برای تأسیس این محاکم ابعاد مختلف نیازمندیها با دقت مورد توجه قرار گرفته و نمایندگان کشورها در باب تأسیس آنها به تبادل نظر و مذاکرات موشکافانه پرداخته، هوشیار و آگاه بوده‌اند که دوباره کاری صورت نگیرد و یا تکرار وضعیتی مشابه وضعیت دیوان بین‌المللی دادگستری مد نظر قرار گیرد».

بطور قطع در چند دهه گذشته جامعه بین‌المللی از نظام دولت محور به سوی جامعه مردم سالار گام برمی‌دارد. اهمیت سازمانهای بین‌المللی و نهادهای غیردولتی در کنار سایر اعضای جامعه بین‌المللی، به آن حد افزایش یافته که جهان نیازمند یک سازوکار اداره فدرالیستی در تمام ابعاد آن است که مسئولیت

حفظ نظم عمومی بین‌المللی را عهده‌دار شود. آن وحدتی را که هواداران کلاسیک و مدرن نظام حقوق بین‌الملل در جستجوی آن هستند. به نظر محال می‌رسد، این نظام ایجاد خواهد شد مگر اینکه با شتاب دهنده توأم گردد. این ابزار به طور قطع در فرهنگ‌سازی، آموزش و تأسیس محاکم بین‌المللی خلاصه می‌شود.

اینجاست که به یاد سخنان محمدبجاوی می‌افتیم که می‌گفت تأسیس نهادهای بین‌المللی جدید اعم از قضایی یا اقتصادی یا سیاسی را باید به فال نیک گرفت (میرعباسی، ۱۳۸۸، ۱۹۳-۲۳۱).

با اینکه عهدنامه‌ها، پروتکل‌ها و کنوانسیونهای بسیاری در حوزه محیط زیست به تصویب رسیده معه‌ذا هیچ نهاد قضایی بین‌المللی مختص محیط زیست را سراغ نداریم که اجرای معاهدات را تضمین و ضمانت اجرای آنها را پیش‌بینی کند. تنها مجازات جدی در حوزه محیط زیست برای هر میزان تخریب و آلودگی فراگیر فقط جریمه نقدی است.

با تأسیس دیوانهای متنوع بین‌المللی که علی‌الاصول دولتها در معیت سازمانهای بین‌المللی بانی آن هستند گرایش به حل اختلافات از طریق مراجعه به محاکم جدید التاسیس در موضوعات و صلاحیتهای گوناگون موجب اعتبار بیش از پیش این محاکم خواهد بود. این دیوانها مکمل دیوان بین‌المللی دادگستری بوده و از حجم اختلافات بین‌المللی می‌کاهند بنابراین آنها نه تنها تهدید، بلکه یک فرصت برای جامعه بین‌المللی در مواجهه با تنش‌های بین‌المللی هستند.

معضل اصلی، جامعه بین‌المللی تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست نیست بلکه تداخل صلاحیت آنهاست که بحرانزاست (میرزایی‌ینگجه، ۱۳۸۴، ۳۵۱). بیائید از خود پرسیم که برای تحقق چه هدفی به تأسیس محاکم بین‌المللی روی می‌آوریم؟ آیا جز این است که وحدت حقوق بین‌الملل را از طریق این نهادها تحکیم می‌بخشیم. «بدون شک یکی از حوزه‌های مهم حقوق بین‌الملل رویه قضایی متجلی در آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری است بطوریکه به دلیل صلاحیت عام - قدمت و اثرگذاری احکام آن نسبت به سایر محاکم بین‌المللی، به شایستگی عنوان دیوان جهانی را از آن خود کرده است»^۱.

در نهایت اینکه تجربه نشان داده که تأسیس نهادهای جدید قضایی عامل تقویت و توجه ملل و دول جهان به پاره‌ای ارزشهای بین‌المللی بوده که غفلت از آنها عامل تأسیس این محاکم بوده است (میرعباسی، ۱۳۸۷، ۱۹۳-۲۲۰). وقتی به آمار پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری توسط ۶۷ دولت می‌نگریم از اینکه جامعه بین‌المللی را در حال گذر از یک بی‌تفاوتی به یک الزام

۱- سایت موسسه حقوق بین‌الملل پارس

داوطلبانه می‌بینیم احساس شعف نموده و شاهد تحقق تدریجی حقوق بین‌الملل همبستگی می‌شویم. هم اکنون ۳۰۰ معاهده بین‌المللی منعقد شده داریم که دیوان بین‌المللی دادگستری را به عنوان نقطه اتکا و امید خود در جهت منافع خود قبول و به آن ایمان دارند. نمی‌توان از کنار این حقیقت گذشت که هنوز هم دیوانهای بین‌المللی در زمینه اجرای احکام با مشکل مواجهند.

مشکل اساسی جامعه بین‌المللی در مخالفت با تأسیس دیوانهای جدید، ضعف یا فقدان ضمانت اجراهاست که موجب سلب اعتماد و یا عدم مراجعه به دیوان است. حجم اشتغالات دیوان بین‌المللی دادگستری آنقدر بالاست که بعید می‌رسد دیوان قادر باشد با یک چرخش سریع، به رفع عیوب متداول محاکم بین‌المللی بپردازد بویژه که پاره‌ای اوقات دیوان بین‌المللی دادگستری به طرفداری از یکی از طرفین اختلاف یا تعارض آراء در خود دیوان متهم می‌شود (مصفا، ۱۳۸۹، ۲۲۲).

مبحث نهم: صلاحیتهای موضوعی دیوان بین‌المللی محیط زیست

علی‌الاصول هر سازمان یا محکمه‌ای اعم از داخلی یا بین‌المللی با این هدف شکل می‌گیرد که مطابق اساسنامه عملی نماید. در خصوص اینکه دیوان بین‌المللی محیط زیست نظیر سایر محاکم از چه صلاحیتهایی برخوردار خواهد شد کافی است به صلاحیتهای اساسنامه‌ای سایر محاکم بین‌المللی توجه کنیم.

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها صلاحیت رسیدگی به هر نوع اختلافی که مربوط به اجرا و تفسیر کنوانسیون سوم حقوق دریاهاست و اختلافاتی که وفق معاهدات و موافقتنامه‌های چند جانبه بین‌المللی مرجع حل اختلاف دیوان بین‌المللی حقوق دریاها می‌باشد و همینطور توقیف کشتیها^۱ و ترخیص کارکنان شناورها و کشتی‌ها و جلوگیری از گسترش آلودگی محیط زیست دریایی و حفاظت از حقوق متنازعین و حق رسیدگی به اختلافات مربوط به بهره‌برداری از بستر اعماق دریاها و همینطور اختلافاتی که میان دولتهای عضو و مقام بین‌المللی اعماق و کارگزاران دولتی، بین‌المللی و اشخاص حقیقی یا حقوقی مطرح است. قطعاً اختلاف میان این موجودیتهای راجع به تفسیر و اجرای قراردادها و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها حادث می‌شود ارائه نظر مشورتی از اهم صلاحیتهای دیوان بین‌المللی حقوق دریاهاست.

دیوان بین‌المللی کیفری از دیگر محاکم جهانی است که از بدو تأسیس تاکنون به یکی از موفق‌ترین دیوانهای بین‌المللی از وجهه کارکرد اشتهار یافته است. در عین حال از جهت موضوعی این محکمه بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به مهمترین جنایات مد نظر جامعه بین‌المللی را دارد که عبارتند

۱- از جمله قضیه توقیف کشتی سایگا ۱۹۹۹.

از: جنایات نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز با این حال هنوز جنایت تجاوز فاقد چهارچوب حقوقی، تعریف و شروط تامه مد نظر دیوان برای آغاز رسیدگی است و رفع این معضلات منوط به رعایت مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم و کنفرانس‌های بعدی می‌باشد.

گفته شد که باید آن دسته از موضوعاتی تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی محیط زیست قرار گیرند که در عین تشویق شاکیان پرونده‌های تخریب و آلودگی محیط زیست، حقوق مسلم و مکتسب این مدعیان را تضمین کند و تدابیری باید پیش‌بینی گردد تا اجرای آراء صادره از چنین دیوانی را تسهیل کند. در جنب راه‌اندازی جنبش‌های سبز زیست محیطی برای محافظت پایدار از محیط زیست، توجه به جنبه‌های پیشگیری از بروز آلودگی و تخریب بیش از هر تدبیری کارساز و کم هزینه‌تر است. در عین حال اساسنامه دیوان از وجهه صلاحیت موضوعی باید به نوعی تدوین گردد که پذیرش صلاحیت اجباری را به عنوان یک تعهد عام‌الشمول یا حتی قاعده آمره الزام‌آور اعلام کند (نژندی‌منش، ۱۳۸۸، ۸۶).

اما به نظر می‌رسد بهترین مسیر برای پیگیری مطالبات زیست محیطی در دیوان بین‌المللی محیط زیست توجه به مفاد و محتوای معاهدات چند جانبه و بین‌المللی شناخته شده نظیر سند کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، سند کنفرانس ۱۹۹۲ ریودوژانیرو، کنفرانس و اجلاس توکیو ۱۹۹۷ و کنفرانس ۲۰۱۰ کپنهاگ راجع به تغییرات آب و هوایی در درجه اول و معاهدات رفع آلودگی و توافقات منطقه‌ای زیست محیطی در اولویت دوم است تا بر اساس چارچوب حقوق بین‌الملل به ارتقاء ارزش‌های محیط زیست از طریق توسل به ساز و کارهای قضایی دیوان تخصصی محیط زیست نائل آید.

مبحث دهم: صلاحیتهای شخصی دیوان بین‌المللی محیط زیست

اشاره به صلاحیت شخصی در واقع تعیین اشخاص و موجودیتهایی است که حق رجوع به محاکم بین‌المللی را دارند. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها یکی از محاکمی است که صلاحیت رسیدگی به اختلافات دریایی را دارد. علی‌الاصول اشخاصی که حق رجوع به دیوان را دارند عبارتند از: کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، کشورهای غیرعضو کنوانسیون که طرف قراردادهایی هستند که دیوان بین‌المللی حقوق دریاها را به عنوان دادگاه ذیصلاح پذیرفته‌اند، همینطور سازمانهای بین‌المللی و شرکتها به عنوان رکنی از مقام بین‌المللی اعماق و آن دسته از شرکتهای کشورهای عضو و یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که تابعیت یک کشور عضو را دارا بوده یا تأکیداً بوسیله کشور عضو و یا اتباع کشور عضو اداره می‌شود و یا هنگامی که این گونه شرکتها بوسیله کشورها یا گروههایی از کشورهای عضو

هدایت می‌شوند منطبق با شرایط بخش یازده و یا ضمیمه ۳ در همکاری با مقام بین‌المللی اعماق دریاها هستند (میرعباسی، ۱۳۸۸، ۲۰۲).

شعبه ویژه حل اختلافات بستر دریاها یکی دیگر از سازوکارهای قضایی حل و فصل اختلافات است که درهای خود را به سوی کشورها، مقام بین‌المللی دریاها، کارگزار یا مقام بین‌المللی، کارگزاران دولتی و اشخاص حقیقی یا حقوقی و شرکتهای دولتی گشوده است. دیوان بین‌المللی دادگستری که رکن قضایی ملل متحد است که برای حل و فصل اختلافات ترافیکی دولتها ذیصلاح شناخته شده است منظور از دولت، کشورهای عضوی هستند که منشور دیوان را امضاء کرده‌اند و دول غیر عضو سازمان ملل متحد که اساسنامه دیوان را پذیرفته حتی اگر منشور را نیز نپذیرفته باشند با توصیه شورای امنیت بوسیله مجمع عمومی حق رجوع به دیوان را دارند. همچنین کشورهایی که تاکنون عضو منشور و اساسنامه دیوان نشده‌اند در صورتیکه طی عهدنامه‌ای مراجعه به دیوان را پذیرفته‌اند حق رجوع به دیوان را دارند به شرطی که با حسن نیت تصمیمات دیوان و تعهدات منشور را بپذیرند. در عین حال دولتها محق‌اند هم تحت عنوان حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقیقی و حقوقی به دیوان مراجعه کنند. سازمانهای بین‌المللی از دیگر تابعان حقوق بین‌الملل هستند که برای جلب نظریه مشورتی حق رجوع به دیوان را دارند. علاوه از آن مجمع عمومی و شورای امنیت و ۱۶ سازمان تخصصی دیگر با کسب اجازه از شورای امنیت و مجمع عمومی حق درخواست نظریه مشورتی را دارند (میرعباسی، ۱۳۸۸، ۳۴۳-۴۴۹).

دیوان کیفری بین‌المللی نیز از لحاظ صلاحیت شخصی وضعیت متمایزی با دیگر محاکم بین‌المللی دارد به این نحو که دیوان زمانی صلاحیت رسیدگی به جنایات نسل‌کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی و تجاوز را دارد که یکی از موجودیتهای حقوقی ذیل درخواست رسیدگی و محاکمه نماید:

۱- دولت عضو دیوان به موجب ماده ۱۴ اساسنامه

۲- شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد

۳- دادستان به موجب ماده ۱۵ (آل حیب، ۱۳۷۸، ۵۴۹).

اگر در ایجاد دیوان بین‌المللی محیط زیست مصمم باشیم باید صلاحیتهای شخصی را مطابق با ضرورتهای اساسنامه دیوان جدید التأسیس پیش‌بینی کنیم. بنظر می‌رسد در ابتدا کشورها به عنوان تابعان اصیل و سنتی حقوق بین‌الملل از حق طرح دعوا در اولویت باشند. در کنار دولتها، سازمانهای بین‌المللی ایفاگر نقش ارزشمند تعمیق ارزشهای انسانی در روابط بین‌الملل استقرار نظم عمومی

بین‌المللی دارند و بعد از این دو باید قائل به صلاحیت سازمانهای غیردولتی، شرکتهای چند ملیتی و اشخاص حقیقی و حقوقی گردیم (نژندی‌منش، ۱۳۸۸، ۹۵).

معهدنا بنظر می‌رسد که بتوان برای برخی از ارکان تخصصی سازمان ملل متحد مانند برنامه محیط زیست ملل متحد و فائو و ... قائل به حق دادخواهی در مرجع قضایی بین‌المللی جدید شد و ضرورت ندارد که هر یک از این شاکیان بصورت مستقیم ذینفع در دادخواهی باشند.

اما در معیت نهادهای تأثیرگذار بر رفتار و کنش جامعه بین‌المللی، نقش سازمان‌های غیردولتی غیر قابل انکار و بسیار پررنگ و تأثیرگذار است. در سال ۱۹۹۶ اکوسوک از رکن مشورتی سازمان ملل متحد (مجمع عمومی) طی قطعنامه ۲۹۷-۱۹۹۶ تهیه سازوکاری را مطالبه می‌کند که بستر مداخله سازمانهای غیردولتی را در اهداف و تصمیمات ارکان اصلی و فرعی این سازمان جهان شمول هموار سازد.

اهمیت تأثیرگذاری این سازمانها زمانی محسوس می‌شود که به نقش سازمانهای غیردولتی در تصویب اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی رواندا، سیرالئون و صدام و تأثیرگذاری بر دولتها برای تصویب کنوانسیون ممنوعیت بکارگیری و کاشت مینهای جنگی ضد نفر طی کنفرانس اتاوا در کنار مبارزه با پدیده شوم کودک سرباز که از کودکان به عنوان رزمنده در قاره سیاه سوء استفاده می‌شود توجه کنیم.

هر میزان که بر تهدیدات و چالشهای جهانی افزوده می‌شود مشارکت این سازمانها نیز باید پررنگ تر باشد. تلاشهای سازمانهای غیردولتی نظیر جنبش صلح سبز در اروپا باعث تشکیل کنفرانس تغییرات اقلیمی در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در کپنهاگ شد. جالب توجه اینکه هم اکنون نزدیک به ۴۰۰۰ سازمان غیردولتی حائز شرایط درخواست نظریه مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بوده و نزدیک به ۱۷۰۰ سازمان غیردولتی مشارکت پیوسته‌ای را با اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد دارند و اگر در آینده نزدیک شاهد تشکیل دیوان بین‌المللی محیط زیست باشیم نقش سازمانهای غیردولتی زیست محیطی و حقوق بشری غیرقابل انکار است. به عبارت دیگر موتور فعال تغییر و تحول آینده در منشور سازمان ملل متحد، فعالیتهای هسته‌ای، تحولات حقوق بشری، تغییرات اقلیمی در سطوح ملی و بین‌المللی متعلق به سازمانهای غیردولتی است.

ارائه نکته نظرات مشورتی و تخصصی که با تحقیقات دقیق و مطالعات عمیق توأم است رمز موفقیت سازمانهای غیردولتی است (عسکری، ۱۳۸۸، ۳۴۳). به تجربه ثابت شده که هر زمان که سازمانهای غیردولتی در حوزه صلاحیتی سازمانهای بین‌المللی مشارکت داشته‌اند نتیجه حاصله بسیار قابل توجه و سازمان ذیربط به نهادی با موفقیت‌های شایان توجه تبدیل شده است تا جائیکه بعید نیست در آینده نزدیک در کسوت تابعان اصلی حقوق بین‌الملل ظاهر شوند. نقش نظارتی و گزارش‌دهی این سازمان، هر کشوری را از تجاوز به حریم ارزشهای انسانی و صلح و امنیت بین‌المللی بصورت صریح

بازمی‌دارد. این افق روشن برخی از اندیشمندان حقوق بین‌الملل را واداشته تا افراد انسانی و سازمانهای غیردولتی را مهمترین و اساسی‌ترین تابعان حقوق بین‌الملل معرفی کنند. سازمانهای غیردولتی با داشتن تخصص در زمینه جمع‌آوری اطلاعات، تشخیص به موقع و اعلام پیشگیری از فجایع و بسترسازی سازمانهای بین‌المللی دست‌اندرکار را کاراتر از قبل نموده‌اند. افزایش آگاهیها جهت‌دهی افکار جهانی رفع ابهامات و موضع‌گیری‌های صحیح از دیگر موفقیت‌های سازمانهای غیردولتی است (شهبازی، ۱۳۸۸، ۲۹۳).

مبحث یازدهم: دیوان بین‌المللی محیط زیست: از آرمان تا واقعیت

گفتیم که محاکم بین‌المللی به این جهت تأسیس یافته‌اند هر یک از قسمتی از حقوق بین‌الملل را پوشش دهند و بدون شک یکی از ضروری‌ترین محاکمی که تأسیس آن باید بدون فوت وقت انجام شود دیوان بین‌المللی محیط زیست است. شاید بهترین استدلال برای تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست اجرا- نظارت و مقابله با متجاوزان به ساحت محیط زیست است و اینکه بسیاری از مقررات زیست محیطی از سوی دولتها به عنوان موضوعات تشریفاتی و غیره امره تلقی می‌شوند.

این دیوان باید محق باشد به شکایات مطرح از سوی بازیگران غیردولتی و اشخاص رسیدگی کند و برخی پیشنهاد کردند که دیوان بین‌المللی محیط زیست واجد صلاحیت کیفری برای تعقیب اشخاص به جهت ارتکاب جرائم شدید علیه محیط زیست باشد. قطعاً محکمه‌ای با قضات متخصص در زمینه محیط زیست دیوانی خواهد بود موفق و این فرصت غنیمتی است برای ظرفیت‌سازی برای حل و فصل اختلافات زیست محیطی (Rest, 1999, 29).

فرض کنید در قضیه علف‌کشهای هوایی که در سال ۲۰۰۸ میلادی فیما بین اکوادور و کلمبیا مطرح شد اکوادور در خصوص پخش مواد سمی از طریق هواپیما در منطقه مرزی دو کشور ادعای خسارت مطرح نمود و خواستار توقف این نوع سمپاشی‌ها شد. حال در نظر بگیرید اگر در اثر وزش باد و طوفان سموم به ده کشور خسارت وارد نماید آیا دیوان بین‌المللی دادگستری قادر خواهد بود به فوریت به مسأله و دهها شکایت با تعدد خواهان و خواننده بپردازد، اهمیت حفاظت از محیط زیست در سطح بین‌المللی تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست را توجیه می‌کند. به نظر می‌رسد دلایل ذیل جهات منطقی برای تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست محسوب می‌شوند:

فرامرزی بودن آلودگیهای زیست محیطی بین‌المللی
 ضرورت حمایت بین‌المللی از محیط زیست بویژه از طریق سازوکارهای قضایی بین‌المللی با تقویت اجرای احکام صادره از این نوع محاکم.

نقش و تأثیر کم رنگ محاکم داخلی کشورها در رسیدگی به تخلفات زیست محیطی

ارائه راهکارهای جهانی برای حفاظت از محیط زیست از طریق رویه قضایی بین‌المللی و بهره‌گیری از نظریات متخصصین برجسته علوم زیست محیطی در قالب آراء قضایی افزایش تعداد کشورها و پیچیدگی روابط بین‌الملل و فقدان تفاهم جمعی در زمینه حفاظت از محیط زیست بین‌المللی به این دلیل که بسیاری از مردم کشورها هنوز به ابتدائی‌ترین امکانات زندگی دسترسی ندارند.

قواعد حقوقی راجع به حفاظت از محیط زیست هنوز هم ویژگی حقوق بین‌الملل عرفی نیافته‌اند تا بدون شرط تبادل قراردادی، لازم الاجرا و امره تلقی شوند.

توصیه‌ای بودن بسیاری از توافقات بین‌المللی مانع از جدی گرفته شدن اجرای این گونه توافقات شده است.

تنوع نظامهای حقوقی معاصر و مسأله جبران خسارات وارده به محیط زیست همچنان یک بحث اختلافی میان هواداران این گونه نظامهاست.

فقدان نظام پیشگیرانه برای ممانعت از آلودگی محیط زیست از علل گسترش و استمرار آلودگی و تخریب محیط زیست است.

ناکافی بودن آئین‌های دادرسی دیوانهای بین‌المللی در رابطه با مسائل علمی پیچیده راجع به محیط زیست چرا که در تدوین مقررات محاکم بین‌المللی کمتر به مباحث محیط زیست و آثار بی‌توجهی به آن و کیفیت طرح دعوی و نوع رسیدگی و قضات ذیصلاح اشاره می‌شود. رسیدگی در یک دوره زمانی کوتاه

مرجع صالح برای تفسیر صحیح و منطقی از کنوانسیونهای زیست محیطی هنوز هم نهادهای سنتی حل و فصل اختلافات سیاسی و حقوقی است و مع‌الاسف این سازمانها هنوز درگیر حل اختلافات سیاسی و اقتصادی هستند و عملاً اولویتی برای مسائل زیست محیطی قائل نیستند.

فقدان دادگاهی با صلاحیتی اجباری در زمینه مسائل محیط زیست تمایل دولتها برای مراجعه به دیوانهای تخصصی و کارآمد در حوزه محیط زیست سرعت عمل و قابلیت دسترسی برای سازمانهای غیردولتی در فرهنگ‌سازی عمومی نظارت بر ایفاء تعهدات توسط دیوان بین‌المللی محیط زیست و تحمیل تکلیف گزارش‌دهی مستمر از کشورهای عضو توافقات بین‌المللی زیست محیطی

فقدان دیوان بین‌المللی جامع صلاحیتهای قضایی و اجرایی در حوزه محیط زیست اجماع سیاسی و جمعی اکثریت کشورهای عضو جامعه بین‌المللی به تأسیس این نهاد چرا که موضوع فعالیت این دیوان هیچ شباهتی به پیمانهای نظامی و سیاسی ندارد.

پیش‌بینی صلاحیت‌های حقوقی و کیفری دیوان بین‌المللی محیط زیست متناسب با تخلفات حقوقی و تجاوزات کیفری

کمک به یکپارچگی مقررات حقوق بین‌الملل از طریق تخصصی کردن رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی محیط زیست به موضوعات مربوط به حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست فقدان رویه قضایی مستمر راجع به محیط زیست بین‌المللی و کیفیت حفاظت از آن استفاده از قواعد آئین دادرسی ویژه و انعطاف‌پذیر و پیشگیرانه بهره‌گیری از نظرات کارشناسان عالی‌رتبه و متخصص محیط زیست که مبنای مشروعیت آراء این دیوان خواهد بود.

ایجاد ارتباط بین سازمان ملل و دیوان جدید التأسیس و حمایت سازمان ملل از آراء و قرارهای صادره همچنین آراء مشورتی و توصیه‌ای

تساوی همه اعضا در این دیوان، بدون پیش‌بینی حق وتو برای برخی از اعضا پیش‌بینی و وضع جرائم زیست محیطی با ضمانت اجراهای کیفری در دیوان بین‌المللی محیط زیست از محاکمه مسئولین تخریب و آلودگی محیط زیست گرفته تا جبران خسارت تعامل سازوکار شورای امنیت و دیوان بین‌المللی محیط زیست وفق منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی محیط زیست

چند سال قبل یک سند تحت عنوان پیش‌نویس معاهده جهانی دادخواهی برای کاهش حفاظت از محیط زیست تدوین شد که پیشنهاد کرد یک دیوان بین‌المللی دادگستری زیست محیطی¹ تأسیس شود که ملل جهان صلاحیت دیوان را پذیرفته و دیوان مکلف گردد به استماع و رسیدگی به ادعاهای مطابق با پیش‌نویس معاهده قابل طرح وفق معاهدات زیست محیطی. بعد از اینکه طرفین رضایت خود را به صلاحیت دیوان جدید التأسیس ابراز داشتند دیوان باید مطابق اصول حقوق بین‌الملل و اصل انصاف رسیدگی کند. دیوان جدید همچنین قادر خواهد بود در موارد مقتضی نظریه مشورتی نیز ارائه دهد.

نتیجه

از آن زمان که تاریخ به یاد دارد انسان متکی به طبیعت بوده و بر آن تأثیر گذاشته است. رشد سرسام‌آور جمعیت، مسابقه در استفاده از سوخت‌های فسیلی و سوء استفاده از علم و دانش، این کره خاکی را به سوی نابودی کامل و قطعی سوق داده است. برای مدت‌های مدید حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله، آتشفشان، قحطی و طاعون و اپیدمی‌های مهلک برهم زنده نظم محیط زیست بودند اما طبیعت خود به

1- International Environmental Court of Justice (IECJ).

تدریج به استقرار نظم برهم خورده می‌پرداخت. در حالیکه با ورود انسان به عرصه حیات، تغییر در محیط زیست و تخریب آن نه تنها ضایعات، ویژگی ماندگاری یافتند بلکه بازسازی و جبران خسارات از توان طبیعت خارج شد.

تجربه ثابت کرده که ساز و کارهای قضایی ضمانت اجرای نسبتاً موفق در اجرای مقررات حقوقی در حوزه محیط زیست هستند. حقوق بین‌الملل می‌تواند مانند سایر زمینه‌ها پیشگام باشد و مقرراتی به صورت اساسنامه راجع به نظارت بر عملکرد دولتها - مذاکرات و ساز و کارهای حل اختلافات زیست محیطی پیش‌بینی و مدون کند. با وجود اینکه جامعه بین‌المللی شاهد حضور ۱۹۳ کشور در سطح جهان است معهدا پاره‌ای از مناطق سرزمینی از صلاحیت حاکمیتی دولتها خارج است، همانها که از آن به عنوان میراث مشترک بشریت یا مشترکات عمومی ملل نام می‌برند.

حقوق بین‌الملل محیط زیست قادر است نظام حقوقی خود را نه تنها به دولتها بلکه به سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای - اتحادیه‌های بین‌الدول - سازمانهای غیردولتی - موسسات تجاری و افراد حقیقی و حقوقی نیز تسری دهد. تأسیس این ساز و کار قضایی بین‌المللی فرصتی را ایجاد می‌کند که با رعایت تخصص به موضوعات زیست محیطی رسیدگی و مانع از تکثیر آلودگی یا تخریب و فرسایش زمین و هوا شد و دیوان جدیدالتاسیس را به یک نهاد پیشگیری کننده تبدیل نمود با شعبات مختلف در زمینه‌های هوا، فضا، دریاها، خشکیها با امکان تجدیدنظر در آرای صادره.

البته یادآوری این نکته مهم است که با وجود تأسیس دهها دیوان دادگستری منطقه‌ای و بین‌المللی که هیچیک به محیط زیست اهمیت و اولویت نمی‌دهند هنوز هم تخریب محیط زیست و آلودگی آن و انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی با شدت ادامه دارد و محاکم فوق کارنامه موفق از خود برجای نگذاشته‌اند.

به همین جهت در کنفرانس سران ملل متحد در سال ۱۹۹۲ کشورهای نیوزلند، کلمبیا و مکزیک خواهان توجه بیشتر دیوان بین‌المللی دادگستری به محیط زیست و پذیرش صلاحیت اجباری و مقدماتی دیوان در این باب شدند که با همراهی دیگر کشورهای حاضر در جلسه مواجه شد. بدیهی است به لحاظ اصل مصونیت دولتها، کشورها چندان تمایلی برای طرح شکایت علیه دول آلوده کننده از خود نشان نمی‌دهند و عدم مداخله در امور همدیگر حتی در حوزه حفاظت از محیط زیست تنها اصل محکمی است که در روابط بین‌الملل تمام کشورها پذیرای آن هستند.

علاوه از آن سازمانهای غیردولتی حق دادخواهی در محاکم بین‌المللی را ندارند بلکه تنها با وساطت دو رکن اصلی سازمان ملل متحد می‌توانند درخواست نظر مشورتی نمایند. راجع به اصلاح اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز همانند خود منشور و شورای امنیت سازمان ملل متحد چندان وفاقی

وجود ندارد و به جز موضوعات شکلی و آیین‌نامه‌ای ۶۷ سال اخیر تغییرات محسوسی در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مشاهده نمی‌شود. حتی تأسیس شعبه ویژه زیست محیطی ۱ در سال ۱۹۹۳ در دیوان اخیر نیز نتوانست جاذبه‌ای برای کشورها در مراجعه به شعبه مذکور ایجاد کند. دیوان هنوز از لحاظ رکن الزامی بودن توافق طرفین برای مراجعه به این رکن قضایی می‌نالد.

قوانین و قواعد مختلفی در حوزه حفاظت از محیط زیست بصورت توصیه‌ای و امره به تصویب رسیده معذالک با لحاظ نمودن ضمانت اجراهای کیفری و مدنی که ویژگی بازرندگی داشته باشند می‌توان انگیزه‌های مالی و تجاری تخلفات زیست محیطی ملتها و دولتها را برطرف کرد. قضات دیوان جدیدالتأسیس (دیوان بین‌المللی محیط زیست) می‌توانند با ابراز قاطعیت در بکار بستن قوانین و مقررات، این ندا را سر دهند که جامعه بین‌المللی در تعهد حفاظت از محیط زیست هیچ عذری را نمی‌پذیرد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در مواجهه با پرونده‌های زیست محیطی به نحوی رسیدگی می‌کند که معلوم است به این موضوعات به عنوان قضایای دارای اهمیت اندک یا پرونده‌های درجه دو می‌نگرد. بطور قطع حقوق بین‌الملل محیط زیست هم اکنون و در آینده مهمترین مبحث نظام‌های حقوقی معاصر جهان خواهد بود. هنگامت بودن خسارات ناشی از سوانح زیست محیطی صحت این ادعا را به اثبات می‌رساند. هیچ کس در این نتیجه‌گیری شک ندارد که قضات دادگاهها حافظ قانون‌اند، اقتدار فوق‌العاده‌ای در احیاء مقررات زیست محیطی متروک شده دارند و قادرند با صدور آراء عادلانه به قوانین حفاظت از محیط زیست ویژگی جامعیت اعطا نمایند. عکس‌العمل به هنگام قضات و جدی گرفتن قضایا (منجمله توجه به محیط زیست) می‌تواند حساسیت جوامع را به تعهدات کشورها و ملل در قبال جامعه بین‌المللی در کلیت خود برانگیزاند. این همان هدف ارزشمندی است که دکترین تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست در صدد تعقیب آن است تا ارزشهای زیست محیطی را از حاشیه به متن سوق دهد (شیلتون، ۱۳۸۹، ۱۲-۲۷).

امروزه اگر کشورهای دارنده سلاح اتمی جرأت بکارگیری آن را ندارند به دلیل تلاش‌های برجسته قضاتی است که در آراء گوناگون بر اعتبار و منزلت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و داشتن نگاه انسانی و مسئولیت آور پافشاری کرده‌اند. اگر متجاوزین به ساحت مقررات حقوق بین‌الملل و حقوق محیط زیست با واکنشی مواجه نشوند پس تصویب معاهدات و کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های زیست محیطی چه سودی خواهد داشت. در عمل ثابت شده که رسیدگی دیوان‌های قضایی بین‌المللی

مهمترین کانون برای جلب توجه جامعه بین‌المللی به داشتن رفتارهای قانونمند در روابط بین‌الملل است.

اصولاً یکی از موانع پیش روی دیوان بین‌المللی دادگستری تشخیص ماهیت اختلاف از جهت سیاسی و حقوقی بودن است و اینکه آیا یک اختلاف زیست محیطی، اختلافی با ماهیت سیاسی است یا حقوقی نقطه شک برانگیز عملکرد دیوان است.

در حالیکه با تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست اختلافات راجع به مباحث صلاحیتی خودبخود مرتفع می‌شوند. بسیاری از پیمانهای چندجانبه و بین‌المللی زیست محیطی پس از تصویب بلا اجرا مانده و در آرشیو سازمانهای بین‌المللی رها می‌گردند. به تجربه ثابت شده که دولت‌ها برای حل اختلافات فیما بین تمایل وافر برای مراجعه به داوری و نهادهای قضایی تخصصی دارند و حتی صلاحیت اجباری اینگونه محاکم را به راحتی می‌پذیرند منجمله سازوکارهای قضایی اتحادیه اروپا و سازمان جهانی تجارت به لحاظ محدودیت صلاحیت اینگونه محاکم.

وجود تخصص، مصلحت و مقبولیت سیاسی از عواملی هستند که مشروعیت تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست را توجیه می‌کند و به هر متضرری حق طرح دعوا اعطا می‌نماید و علاوه از آن دیوان جدید صلاحیت تفسیر کنوانسیونهای زیست محیطی را دارا می‌شود و در صورت لزوم دستور اقدامات تأمینی و موقت را صادر کرده و با داشتن قواعد دادرسی سریع و انعطاف‌پذیر و حق میانجیگری به اختلافات و تخریب محیط زیست و آلودگی خاتمه می‌دهد. ضمن اینکه در یک چنین دیوانی کشورها نباید با پیش‌بینی حق وتو از کارآمدی آرای دیوان بکاهدند و رعایت حقوق بین‌الملل محیط زیست را اختیاری نمایند.

این گفته مایک مور دبیرکل سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ میلادی است که اذعان داشت: «توسعه قواعد حقوق بین‌الملل در رابطه با حمایت از محیط زیست در صورتی اهمیت خواهد داشت که بتواند با ابزار کارآمدی برای تضمین اجرا و رعایت قواعد مزبور همراه باشد (نژندی‌منش، ۱۳۸۸، ۸۶-۲۳۸)». این ابزار بدون شک همان دیوان بین‌المللی محیط زیست است که به تدریج و به تبع ضرورت‌های حیات جامعه بین‌المللی وجود آن به شدت احساس می‌شود و قطعاً در آینده نزدیک تأسیس خواهد شد. این همان افق نشان است که جامع بین‌المللی در تکاپوی تحقق آن است.

فهرست منابع:

۱. مک کالیون، کنت، اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی؛ حقوق و راه‌حلهای، ترجمه ۲. محمدحسین زاهدین لباف، مجله حقوقی، شماره ۳۱، ۱۳۸۳.
۳. نژندی منش، هیبت‌الله و خیاطیان، سمانه، نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تدوین و توسعه هنجارهای محیط زیست در کتاب حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها) به اهتمام احمد علی ۴. محسن‌زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. دبیرسیاقی، منوچهر، بحران محیط زیست، نشر حدیث امروز، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶. حسن‌میری، فهیمه، طوفانهای غبارآلود همچنان در راه، فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت، شماره ۱۶، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۸.
۷. کارسون، راشل، بهار خاموش، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، علیرضا کوچکی و امین علیزاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. والیات، فریبا، آلودگی دریا و انقراض نسل ماهیان، فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت، شماره ۱۶، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۸.
۹. محمدی، رضا، خطر انقراض نسل ماهی آزاد خزر، فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت، شماره ۱۶، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۸.
۱۰. اسلامی دهکری، مرتضی، نشر آگاهی برای حفاظت از تنوع زیستی، فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت، شماره ۱۶، سال پنجم، ۱۳۸۸.
۱۱. کوسه‌ها در معرض نابودی، فصلنامه حفاظت شکار و طبیعت، شماره ۱۵، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸.
۱۲. ممتاز، جمشید، توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست؛ آورده دیوان بین‌المللی دادگستری، مجله حقوقی، شماره ۲۴، ۱۳۷۸.
۱۳. ظریف، محمد جواد و ممتاز، جمشید و میرزایی ینگجه، سعید، ممنوعیت تهدید و استفاده از سلاحهای هسته‌ای؛ قضیه درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره یک، ۱۳۷۵.
۱۴. براون ویس، ادیت، ممنوعیت یا محدودیت کاربرد سلاحهای هسته‌ای؛ دلایل و ملاحظات زیست محیطی در کتاب حقوق بشردوستانه و سلاحهای هسته‌ای به اهتمام نادر ساعد، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۵. زمانی، سیدقاسم، حقوق سازمانهای بین‌المللی، شخصیت، مسئولیت، مصونیت، چاپ سوم، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.
۱۶. زمانی، سیدقاسم و شهبازی، آرامش، فرجام حقوق بین‌الملل؛ نوسان میان تکنیک و تدبیر، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۱۷. میرعباسی، سیدباقر، تنوع و فراوانی محاکم بین‌المللی و تأثیر آن بر حقوق بین‌الملل عمومی: تهدید یا فرصت؟ در مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸.

۱۸. مصفا، نسرین، اصلاحات در دیوان بین‌المللی دادگستری در مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۱۹. عسکری، پوریا، مناسبات سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی در آینه تغییر، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۸.

۲۰. شهبازی، آرامش، تعامل سازمانهای غیردولتی با سازمان جهانی تجارت، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۸.

۲۱. بعیدی‌نژاد، حمید و دریایی، محمدحسن و علی‌آبادی، مهدی، تحول در ساختار نظام ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۴، چاپ اول.

۲۲. کیس، الکساندر و اچ. سند، پیتر و لانگ، وینفراید، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۲۳. میرزایی ینگجه، سعید، تبعات افزایش محاکم بین‌المللی در کتاب روندهای جدید بین‌المللی به اهتمام محمدجواد ظریف و مصطفی زهرانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲۴. آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۵. شیلتون، دینا و الکساندر کیس، کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.

27-Ferrey, Steven, Environmental law, second Edition, Aspen law & Business, 2001.

28. Brownlie, Ian, Principles of Public international law, Fifth Edition, Clarendon press, oxford, 1998.

29. Dryzek, John, S., The politics of the Earth Environmental discourses, second edition, oxford university press, 2005.

30. Convention on international Trade in Endangered species of wild Fauna and Flora 1973(CITES).

31. Hutchinson, Marguerite A., Comment: Moving Beyond the WTO: A proposal to Adjudicate GMO Disputes in an international Environmental court, 10, san Diego international law Journal, Fall 2008.

32. Bothe, Micheal, International obligations, means to secure performance, EPIL, Vol. I, 1981.

33. Barton, John, H., Disarmament, EPIL, Vol. 9, 1986.

34. Murphy, S.D., "Does the world need A new international court?" (1999-2000) 32 Georgetown journal of international law and Economics.

35. Rest- Alfred, Enhanced Impentation of the Biological Diversity 36. Convention by Judicial Control, (1999) 29 EPIL, P. 32 in Stephens, op. cit.

37. International Environmental Court of Justice (IECJ).

38. Divan, Sham & Rosencrana, Armin, Environmental law and policy in 39. INDIA statutes, oxford university press, 2001.

40. <http://www.environmentcourt.com/welcome.php>.